

توجه به حالت خطرناک برای مدیریت و کنترل بزه‌کاری

افشین عبداللهی^۱

هیمن بهرامی^۲

چکیده

با ظهور مکتب تحقیقی، ارتکاب جرم امری اجتناب ناپذیر تلقی گردید و پیشنهاد شد به منظور دفاع اجتماعی، با شناسایی حالت خطرناک افراد، آنان را با اقدام‌های دفاع اجتماعی روبه‌رو سازند. در این مکتب، حالت خطرناک دارای دو جنبه‌ی «ظرفیت جنایی»، یعنی وضعیتی که به واسطه‌ی اقتران عوامل جرم‌زا در فرد پدید می‌آید و «سازگاری اجتماعی»، به معنای درجه‌ی انطباق و جامعه‌پذیری فرد است. در این مکتب راهکارهای درمانی و اصلاحی، مناسب با این حالت تعریف و به منظور رفع آن نزد مجرم و محیط او اقدام می‌شود. این مکتب درصدد شناسایی علل بزه‌کاری و رفع آن است، ولی اخیراً آن‌چه از قوانین و مقررات استنتاج می‌شود، تحول مفهوم حالت خطرناک و اقدام بر اساس این حالت برای مدیریت خطر ارتکاب جرم در مراحل مختلف سیستم عدالت کیفری می‌باشد که با کنار گذاشتن معاینه و درمان مکتب تحقیقی، در صدد مدیریت و کنترل گروه‌های در معرض خطر و تامین امنیت عمومی است. در این تحقیق، دیدگاه اخیر شرح داده می‌شود.

واژگان کلیدی: حالت خطرناک، مدیریت خطر جرم، مجرمان با خطر بالا،

مجرمان با خطر پایین.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مفید قم.

درآمد

حالت خطرناک، موضوع حساس و قابل تعمقی است که در علوم مختلف مانند جرم‌شناسی به ویژه جرم‌شناسی بالینی، روان پزشکی کیفری و حقوق کیفری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این دانش‌ها درباره‌ی تعریف، ویژگی‌ها، تشخیص، صور، ارکان، علل و حالت خطرناک، به بحث و بررسی پرداخته‌اند و به ضرورت درمان آن توصیه کرده‌اند.

اصطلاح حالت خطرناک از ابتدای قرن نوزدهم میلادی، با پیشرفت علم روان پزشکی و نگهداری مبتلایان به بیماری روحی به مدت نامعین در بیمارستان، مطرح گردید (دانش، ۱۳۸۶: ۳۳۳). بر اساس مقرراتی که در سال ۱۸۱۳ در فرانسه وضع شد، فرماندار شخصاً می‌توانست دستور دهد هر شخصی که حالت روحی و روانی وی برای نظم و امنیت عمومی خطرناک باشد را به مدت نامعلومی در یک مرکز روانی (تیمارستان) تحت مراقبت قرار دهند. دستور مزبور هر شش ماه یک بار مورد تجدید نظر قرار می‌گرفت (کی‌نیا، ۱۳۴۶: ۱۴۴۶).

از نظر بین‌المللی، اصطلاح حالت خطرناک نخستین بار در سال ۱۹۱۰ میلادی در مجمع بین‌المللی حقوق جزا مورد بحث قرار گرفت و به تدریج وارد قوانین کیفری کشورهای مختلف گردید (گسن، ۱۳۷۰: ۵۰). مجمع مذکور در این رابطه راه حلی ارائه کرد مبنی بر این‌که قانون‌گذار باید در موارد تکرار جرم یا به لحاظ جرم به عادت و یا سابقه‌ی ارثی مجرم که به وسیله‌ی ارتکاب جنحه یا جنایت به منصه‌ی ظهور می‌رسد، به منظور اطمینان از امنیت اجتماع، تأمین مخصوصی را درباره‌ی مجرم خطرناک تأسیس و برقرار کند (امینی، ۱۳۴۶: ۱۲۳).

پس از این، در قوانین کیفری برخی کشورها به حالت خطرناک اشاره شد، اما توجه به حالت خطرناک و واکنش جامعه در برابر آن، در سپتامبر ۱۹۵۳ میلادی و در دومین کنگره‌ی بین‌المللی جرم‌شناسی در پاریس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (صدارت، ۱۳۴۰: ۱۳۸-۱۳۷). ولی از قوانین و مقررات کشورها در سه دهه‌ی اخیر استنتاج می‌شود که تحول مفهوم حالت خطرناک و اقدام بر اساس این حالت، برای مدیریت خطرات ارتکاب جرم و تکرار جرم در چارچوب نظام کیفری می‌باشد که بیش از پیش درمان بزه‌کاران را کنار گذاشته و به تأمین امنیت عمومی و مدیریت و

کنترل گروه‌های در معرض خطر بزه‌کاری را در اولویت قرار می‌دهد.

۱. تحول مفهوم حالت خطرناک

جرم‌شناسان تعاریف متعددی از حالت خطرناک ارائه داده‌اند که به‌رغم تفاوت اندکی که از لحاظ منطوق آن‌ها به چشم می‌خورد، از حیث معنا و مفهوم قرین یکدیگرند. از جمله گفته شده است «حالت خطرناک وسوسه‌ی احتمالی در مجرم است که در اثر آن دست به ارتکاب عمل مجرمانه خواهد زد» (امینی، پیشین: ۱۲۳) در این تعریف این حالت فرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که تمایل به ارتکاب جرم پیدا می‌کند و متعاقبا به آن دست می‌زند. وجه تسمیه‌ی حالت خطرناک نیز از اینجا نشأت می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۷۴: ۸۳). هم‌چنین حالت خطرناک را حالتی دانسته‌اند که بر اثر اقتران عوامل فردی و اجتماعی جرم‌زا و تأثیر آن‌ها در شخص معین، او را در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد (صدارت، پیشین: ۲۸۶) این تعریف که مربوط به جرم‌شناسی بالینی است، بیان‌گر این مطلب است که تأثیر عوامل جرم‌زا بر همه‌ی افراد یکسان نیست.

برای تعیین تبه‌کاری (حالت خطرناک) بزه‌کار و ارزیابی آن، باید استعداد جنایی فرد مذکور در نظر گرفته شود (امینی، پیشین: ۱۲۵). به تعبیر فون لیست، هرگاه از وضع روحی و جسمی فرد مجرم استنتاج شود که با وجود اجرای مجازات معمولی نمی‌تواند از دست زدن به اعمال مجرمانه خودداری کند، دارای حالت خطرناک است. این حالت با وجود آن‌که فرد دست به ارتکاب جرمی نزده، نیز می‌تواند موجود باشد (همان: ۱۲۶). ژان پیناتل نیز حالت خطرناک را احتمال موجود در فرد دانسته مبنی بر این‌که بتواند به ارتکاب عملی ضد اجتماعی که در علم حقوق جرم نامیده می‌شود، دست زند (همان‌جا).

از تعاریف بالا بر می‌آید که حالت خطرناک دارای ویژگی‌هایی چون توجه به وضعیت خاص روحی و جسمی بزه‌کار، تأثیر کیفر در باز داشتن فرد از ارتکاب جرم و توجه به وجود حالت خطرناک در بزه‌کاران بالقوه است. از برخی تعاریف نیز استنباط می‌شود که به صرف وجود حالت خطرناک و بدون این‌که فرد مرتکب جرمی شده باشد، می‌توان ضمانت اجراهای کیفری را در مورد وی اعمال کرد. این راهکار با توجه

به سوء استفاده‌هایی که می‌توانست از آن صورت گیرد، با استقبال روبه‌رو نشد و به جای آن «مفهوم مجرم خطرناک» را پذیرفتند. یعنی فردی که مجرم است و بر مبنای برخی فاکتورهای حقوقی و بالینی دارای حالت خطرناک است.

تعاریف بالا با توجه به پیدایش مفاهیمی چون فرهنگ کنترل جرم، کنترل بزه‌کاران، سیاست جنایی ریسک‌مدار، مطالبات امنیتی و غیره، قابل پذیرش نیستند. لذا حالت خطرناک، مفهومی نسبی است که در زمان‌های مختلف و با توجه به اهداف سیاسی و قضایی، برداشت‌های مختلفی از آن شده است و با این تعبیر، مفهوم خطرناکی، ریشه در گفتمان ریسک دارد و افراد خطرناکی هستند که ریسک‌های غیر قابل قبول به شمار می‌آیند (پاک نهاد، ۱۳۸۸: ۳۱). اگر درک درستی از حالت خطرناک داشته باشیم، می‌توان با ارزیابی کارشناسانه و با توجه به میزان خطری که مجرم در آینده برای جامعه به وجود می‌آورد، ضمانت اجرایی مناسب برای سلب توان بزه‌کاری چنین شخصی مقرر نمود. به عبارت دیگر، در فرایند تعیین نوع مجازات، نقش پیش‌بینی حالت خطرناک به رسمیت شناخته شده است؛ به طوری که همه‌ی اعضای دیوان عالی ایالات متحده‌ی آمریکا، در پرونده‌ی ژورک^۱ علیه تگزاس^۲ موافقت خود را با تصمیم دادگاه ابراز داشته‌اند. مطابق این تصمیم، مقام تعیین‌کننده‌ی مجازات، باید با توجه به رفتار محتمل آینده‌ی شخص مجرم، برای وی مجازات تعیین نماید (Morris, Norval; Miller, Marc, 1985, p: 5). در چنین حالتی، مفهوم حالت خطرناک نیز تغییر می‌کند.

در مدیریت خطر جرم، سوژه‌ی اصلی مجرم است و از منظر حقوق ایران، مفهوم حالت خطرناک ذیل مجرم خطرناک پذیرفته شده است، لذا سعی می‌کنیم مجرمان خطرناک را بر اساس نظریه‌ی مدیریت ریسک جرم تعریف کنیم و بر این اساس، مجرم خطرناک کسی است که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و کیفیت و شدت جرم ارتكابی، وی را در مظان ارتكاب جرم در آینده قرار می‌دهد و بر این اساس دادگاه، برای مدیریت ریسک جرم و تکرار آن، کنترل بزه‌کاری و یا کاهش خطرها و تهدیدهای مجرمانه یا جابه‌جایی آن‌ها، تدابیری را بر اساس میزان خطر

1. Jurek.
2. Texas.

مجرمان اتخاذ می‌کند که در درجه‌های مختلفی میان حذف بزه‌کار از جامعه تا طرد و خنثی سازی و جلوگیری پیوسته یا موقتی از اضرار او به جامعه در نوسان است. با توجه به تعریف مجرم خطرناک، اقدام‌ها و تصمیمات دولت یا مراجع قضایی را بر اساس این تعریف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. اقدام بر اساس حالت خطرناک

مفاهیم حالت خطرناک و شخصیت جنایی، هم‌زمان با تولد جرم‌شناسی علمی و در مسیر پیدایش مکتب تحقیقی مطرح شدند. پایه‌گذاران مکتب تحقیقی، در پرتو آورده‌های علوم اجتماعی توانستند رفتار آدمی را به کمک یک سلسله آزمون‌های بی‌طرفانه و با ملاحظه‌ی آمار جنایی ارزیابی کنند. در این مکتب، بزه‌کار محور اصلی مطالعات و بررسی‌ها بود. وظیفه‌ی قاضی با این اندیشه‌ها، بررسی شخصیت بزه‌کاری است که به دلیل داشتن مشکلات فردی ناشی از عوامل زیستی، روانی و اجتماعی، از هنجارهای جامعه تخطی کرده است. پس باید به دنبال کشف منشأ این نافرمانی‌ها برآمد و با اتخاذ تدابیر مناسب قانونی، به درمان آن همت گمارد.

به دنبال طرح این اندیشه‌ها، با روی‌گردانی از ابتدای مسؤولیت کیفری بر تقصیر بزه‌کار، حالت خطرناک مبنای مسؤولیت کیفری بزه‌کار قرار گرفت. «در این حالت، مسؤولیت مرتکب ناشی از خطری است که جامعه را تهدید می‌کند، نه نقض ارادی قانون و تقصیر جزایی» (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). در مکتب تحقیقی، از حالت خطرناک به منزله‌ی معیاری برای نوع و میزان واکنش نظام عدالت کیفری بهره‌جسته می‌شد (نیازپور، ۱۳۸۷: ۵۷). متعاقب این تحولات، کنگره‌ی اتحادیه‌ی بین‌المللی حقوق کیفری، در سال ۱۸۹۰ به مناسبت بحث درباره‌ی اقدامات اختصاصی سلب‌کننده و نامحدود‌کننده‌ی آزادی برای افراد خطرناک یا خطردار، یعنی بزه‌کاران مزمن، بزه‌کاران به عادت و بزه‌کاران مقاوم، به منظور خنثی کردن خطر اجتماعی آنان، مفهوم خطرناکی را در حقوق کیفری مورد توجه قرار داد. کنفرانس اتحادیه‌ی بین‌المللی حقوق کیفری نیز در سال ۱۹۱۰ اندیشه‌ی زندان نامحدود یا سلب نامحدود آزادی بزه‌کاران خطرناک را تصویب کرد. این اندیشه از ابتدای سده‌ی بیستم به تدریج وارد قانون کشورهای مختلف شد. برای مثال به موجب قانون پیش‌گیری از

جرم انگلستان مصوب ۱۹۰۸ مجرمی که از سن شانزده سالگی دارای سه پیشینه‌ی محکومیت کیفری شده است و ثابت شود که پیوسته زندگی خلافکارانه یا مجرمانه داشته، به زندان پیش‌گیرانه (احتیاطی) محکوم می‌شود. به موجب قانون مجازات عمومی استرالیا مصوب ۱۹۱۳، شخصی که هجده سال یا بیش‌تر دارد و مرتکب جرمی شده که کیفر آن مرگ نیست و حداقل دارای دو فقره محکومیت پیشین است، مجرم به عادت انگاشته می‌شود (همان‌جا). در حقوق ایران نیز حالت خطرناک در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ ذیل عنوان «مجرمین خطرناک» پذیرفته شده، که ناشی از همین تحولات بوده است.

توجه به حالت خطرناک، برای پیش‌گیری از وقوع جرم و به ویژه معیاری برای نوع و میزان واکنش سیستم عدالت کیفری بوده است. چنین نگاهی به حالت خطرناک، به نوعی در ادیان آسمانی نیز وجود داشته است و در آن‌جا نیز مجازات مجرم، بر مبنای شرارت و حالت خطرناک وی تعیین می‌شد؛ در آیین یهود، مجازات کسی که شبانه همراه با نقب زدن به سرقت مبادرت می‌ورزید، مرگ بود، ولی همین عمل در روز، تنها موجب کفاره بود؛ یا برای کسی که طرح دعوی کذب می‌کند، مجازاتی برابر با میزان شرارتی که دعوی کذب ایجاد می‌کند، پیش‌بینی شده بود (نوبهار، ۱۳۷۸: ۱۸۴).

در سه دهه‌ی اخیر در پرتو نظریه‌ی ریسک جرم، این مفهوم متحول شده است و معیاری برای مدیریت خطرهای ارتکاب جرم، تکرار جرم و کنترل مجرمان خطرناک شده است؛ به نحوی که حالت خطرناک مجرمان، به حالت خطرناک ساده و حالت خطرناک شدید تقسیم شده است و بر این مبنای اقدامات مراجع قضایی و پلیس نیز متنوع خواهد بود.

۲-۱. حالت خطرناک ساده

حالت خطرناک ساده، به طور اتفاقی در شماری از مجرمان مشاهده می‌شود؛ زیرا حالت‌های هیجانی و عصبی بزه‌کاران سبب می‌شود افراد تحت تأثیر هیجان‌های آنی و عاطفی به ارتکاب جرم روی آورند (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۰۱). بنابراین این افراد پیش از ارتکاب جرم، در حالتی قرار می‌گیرند که هر لحظه امکان دارد دست به انجام

عمل ناقض قانون بزنند.

این حالت در اغلب بزه‌کاران وجود دارد؛ بدین شکل که آنان پیش از ارتکاب بزه، از حالت خطرناکی آنی گذر کرده و با عبور از چنین بحرانی، هر لحظه ممکن است مرتکب جرم شوند. بنابراین حالت خطرناک ساده، پیش از ارتکاب جرم نمایان می‌شود و بیان‌گر لحظه‌ی بحرانی پیش از ارتکاب جرم است (پیناتل، ۱۳۴۵: ۱۰۴). این حالت خطرناک ضعیف در افرادی وجود دارد که ظرفیت جنایی آنان تا اندازه‌ای بالا و میزان سازگاری اجتماعی آنان نیز بالا است. این گروه، کم‌خطرترین گروه دارای حالت خطرناک هستند و معمولاً تحت تأثیر شرایطی خاص و به‌طور ناگهانی مرتکب جرم می‌شوند و پس از آن دیگر هیچ‌گاه به سراغ بزه‌کاری نمی‌روند.

سیاست مراجع قضایی و پلیسی نسبت به بزه‌کاران بر اساس میزان خطر، دوگانه خواهد بود. این سیاست دوگانه که شامل رفتارهای کیفری ملایم و زندان‌های کوتاه مدت نسبت به بزه‌کاران کم‌خطر است، در مراحل مختلف دادرسی مانند صدور حکم و اجرای آن اتخاذ و اعمال می‌شود. در مرحله‌ی صدور حکم، دادرسی با تکیه بر تجربه‌ی قضایی خود، بر اساس جداول و معیارهای پیش‌بینی شده، خطر تکرار جرم که کارشناسی بالینی یا آمار در اختیار او قرار داده است (نجفی ابرندآبادی، پیشین: ۷۳۶)، با توجه به میزان خطر بزه‌کار تصمیم مناسب اتخاذ می‌کند.

در مرحله‌ی اجرای حکم نیز چنین سیاستی قابل اجرا است. مثلاً در هنگام اجرای حکم زندان، طبقه‌بندی زندانیان و تقسیم آنان بر اساس خطرهایی که برای جامعه دارند، صورت می‌گیرد. هر محکومی که وارد زندان می‌شود، بر اساس میزان و درجه‌ی خطری که دارد، مانند خطر فرار، خطر برای جامعه، اعمال نظام نیمه آزادی نسبت به او، علت‌ها و منشأ جرم، انگیزه از ارتکاب جرم، روابط اجتماعی و ظرفیت بازپذیری او، ارزیابی و طبقه‌بندی می‌شود و چنانچه خطر ارتکاب مجدد جرم توسط وی پایین باشد، در زندان‌های دارای حداقل امنیت نگهداری می‌شود و به همان میزان احتمال استفاده‌ی او از آزادی مشروط، زندان نیمه‌باز و دیگر تخفیفات زیاد خواهد بود. این سیاست دوگانه، به مراحل دیگر نظام کیفری مانند کشف جرم و تحقیقات نیز تسری داده می‌شود، به گونه‌ای که مجرمان کم‌خطر در هنگام ورود به فرایند کیفری، مشمول قرارهای تأمین خفیف مانند قرار کفالت می‌شوند و کنترل کمتری نسبت به

آنان اعمال می‌گردد.

۲-۲. حالت خطرناک مزمن یا شدید

حالت خطرناک شدید، گویای این معناست که وضع روانی و اخلاقی بزه‌کار که باعث ناسازگاری اجتماعی می‌شود، ثابت و همیشگی است و به تعبیر دیگر «یک وضعیت معرفت‌نفسی و اخلاقی با خصوصیت ضد اجتماعی است» (قاسمی، پیشین: ۱۰۴). بنابراین مجرمان حرفه‌ای که به ارتکاب جرم و ناسازگاری با جامعه عادت کرده‌اند، به حالت خطرناک مزمن مبتلا می‌باشند. به عبارت دیگر، حالت خطرناک مزمن، وضع روان‌شناسی و اخلاقی است که از ویژگی ضد اجتماعی برخوردار است (کی‌نیا، ۱۳۷۴: ۳۴۳). مجرمان دارای حالت خطرناک مزمن، به طور متشکل، مجهز و سازمان یافته عمل می‌کنند، اما بزه‌کارانی که حالت خطرناک ساده دارند به نحو نامنظم مرتکب جرم می‌شوند.

حالت خطرناک مزمن در میان بزه‌کاران بر اساس سه معیار شدت، جهت و بیداری خطرناکی متفاوت است (نیازپور، پیشین: ۶۱):

۱- شدت خطرناکی: بر اساس شدت خطرناکی می‌توان میان فعالیت بزه‌کاران از حیث وخامت و یا خطرناکی فرق گذاشت. به دیگر سخن، این معیار موجب تفاوت بزه‌کاری حرفه‌ای و بزه‌کاری به عادت می‌شود؛ زیرا معمولاً بزه‌کاران حرفه‌ای به ارتکاب جرم‌های شدید گرایش دارند، در حالی که بزه‌کاران به عادت، بیش‌تر به دنبال خود ارتکاب جرم هستند.

۲- جهت خطرناکی: جهت خطرناکی مشخص‌کننده‌ی تخصص عام یا عدم تخصص بزه‌کار است. مطابق این معیار، تکرار کنندگان جرم به دو دسته بزه‌کاران متخصص و به عادت تقسیم می‌گردند.

۳- بیداری خطرناکی: لحظه‌ای است که حالت خطرناک به بالیدگی و اوج خود نزدیک شده و هر لحظه احتمال دارد بزه‌کاران احتمالی به بزه‌کاران واقعی تبدیل شوند.

بر همین مبنا نیز اقدامات مراجع قضایی و پلیسی نسبت به این قبیل مجرمان با توجه به درجه و میزان خشونت‌آمیز بودن جرم، احتمال تکرار جرم، تخصص یا عدم

تخصص بزه‌کاران و عادت بودن بزه‌کاری، در سراسر فرایند کیفری تعیین می‌شود. این قبیل مجرمان نیز مشمول سیاست دوگانه‌ی کنترل مدیریت خطر جرم قرار می‌گیرند. بنابراین مانند مجرمان با حالت خطرناک ساده، دادسرا در مرحله‌ی تحقیقات با توجه به شدت و وخامت جرم ارتكابی و سابقه‌ی مجرمانه‌ی بزه‌کار، تصمیمی با شدت بالا اتخاذ خواهد نمود. در مرحله‌ی صدور حکم نیز دادگاه مبادرت به صدور حکم به زندان‌های طولانی مدت برای کنترل و دور نگه‌داشتن این مجرمان از جامعه می‌کند و به همین ترتیب در مرحله‌ی اجرای حکم، این قبیل مجرمان به زندان‌های با حداکثر امنیت اعزام می‌نمایند که در این صورت احتمال استفاده‌ی آن‌ها از آزادی مشروط و دیگر تخفیفات کم خواهد بود.

در مراحل دیگر نظام کیفری مانند کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، کنترل شدیدتری نسبت به متهم یا مجرم دارای حالت خطرناک مزمن اتخاذ خواهد شد. مثلاً در هنگام صدور قرار تامین، بازپرس یا دادیار از قرار بازداشت موقت نسبت به این قبیل از مجرمان استفاده می‌کند.

یافته‌های پژوهش

از عوامل جرم‌شناختی مؤثر بر تحول در اهداف مجازات‌ها، تحول مفهوم حالت خطرناک است. حالت خطرناک مطابق با تحولات اخیر، حالت شخصی است که آگاهانه و عمدانه مرتکب جرایم شدید یا تکرار جرم می‌شود. این مفهوم از حالت خطرناک، با آنچه سابقاً در مکتب تحقیقی وجود داشت، متفاوت است. در رویکرد مدیریت خطر، دوباره توجه به حالت خطرناک احیا می‌شود، ولی این بار درمان و معاینه‌ی بزه‌کاری، برای تعیین مجازات است؛ به این معنی که در رویکرد جدید، مجرمان با توجه به میزان خطرشان به دو دسته با خطر بالا و با خطر پایین تقسیم می‌شوند و بر این مبنا، اقدامات سیستم عدالت کیفری متفاوت خواهد بود. مبنای این واکنش‌ها، مدیریت خطر بزه‌کاری و کنترل و به حداقل رساندن جرم است. بدین ترتیب، مفهوم تاریخی مجرم خطرناک یا افراد خطرناک مجدداً احیا شده و در کانون توجه دستگاه‌های پلیسی، قضایی و امنیتی قرار گرفت.

فهرست منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۸.
- ۲- امینی، محمد، *ضمانت احتیاطی در قانون اقدامات تأمینی*، تهران، تابان، چاپ نخست، ۱۳۴۶.
- ۳- بابایی، محمدعلی، «*ارزیابی شخصیت جنایی با هدف پیش‌گیری از ارتکاب جرم*»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
- ۴- پاک‌نهاد، امیر، *سیاست جنایی ریسک مدار*، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
- ۵- پیناتل، ژان، *جرم‌شناسی*، برگردان: رضا علومی، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۴۵.
- ۶- دانش، تاج‌زمان، *مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟*، تهران، کیهان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶.
- ۷- صدارت، علی، *حقوق جزا و جرم‌شناسی*، تهران، کانون معرفت، چاپ نخست، ۱۳۴۰.
- ۸- کی‌نیا، مهدی، *علوم جنایی*، جلد سوم، تهران، دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۴۶.
- ۹- گسن، ریموند، *جرم‌شناسی کاربردی*، برگردان: مهدی کی‌نیا، تهران، علامه طباطبایی، چاپ نخست، ۱۳۷۰.
- ۱۰- قاسمی، ناصر، *اقدامات تأمینی در حقوق کیفری ایران*، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۷۴.
- ۱۱- کی‌نیا، مهدی، *روان‌شناسی جنایی*، تهران، رشد، چاپ نخست، ۱۳۷۴.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «*کیفرشناسی نو، درآمدی به سیاست جنایی مدیتریتی خطرمدار*»، مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
- ۱۳- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، *تقریرات درس جرم‌شناسی - بازپروری*

- بزه‌کاران، دوره‌ی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، نیم سال نخست، ۸۷-۱۳۸۶.
- ۱۴- نوبهار، رحیم، «مقررات کیفری، جرایم و مجازات‌ها در تورات»، نامه‌ی مفید، شماره‌ی ۱۷، سال پنجم، ۱۳۷۸.
- ۱۵- نوبهار، رضا، *زمینه جرم‌شناسی*، تهران، گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
- ۱۶- نیازپور، امیرحسین، *بزه‌کاری به عادت از علت‌شناسی تا پیش‌گیری*، تهران، فکرسازان، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
- 17- Morris, Norval & Miller, Marc, *Prediction of Dangerousness, Crime and Justice*, University of Chicago Press, 1985.